



مهاجم بوشهری باز هم بدترین روش را برای جدایی از سرخ‌ها انتخاب کرد

طارمی نامرغوب

علیرضا گرانبایه | سروش رفیعی پرسپولیس را تنها بعد از یک نیم‌فصل ترک کرد. او دوران نسبتاً خوبی را در تیم برانکو پشت سر گذاشت اما نمایش‌هایی فراتر از استانداردهای فوتبال ایران ارائه نکرد و به محض دریافت اولین پیشنهاد از لیگ قطر، قید آینده‌اش در پرسپولیس را زد و به باشگاه الخور پیوست.



TARMI

دست‌به‌دست شدن تصویر محمد احمدزاده در شبکه‌های اجتماعی همه را متعجب کرد

نیمچه پرونده

مربیان کامیون



کریستیانو رونالدو، ستاره پرتغالی رئال مادرید، از طریق خبری مبنی بر تصمیم کریس برای ترک رئال توفان بزرگ پیغامی از کریس مبنی بر عقب‌گرد از این تصمیم، خیالش مهلت بازار نقل و انتقالات تابستانی عوض شود زیر روز را در این ارتباط ارائه کرده و در مورد اتهام قرار ۱۴.۷ میلیون روزها کریس رونالدو با دوقلوهایش در حال سپری کردن بگویم که احتمالاً تمام حرف و حدیث‌ها درباره جدایی

آیا منشا می‌تواند جانشین شایسته‌ای برای طارمی باشد؟

نیمچه پرونده

رهبران آن‌نیس



چه کسی باور می‌کند آدامس یکی از آلوده‌کننده‌های محیط زیست باشد

سیریس و دردسر ساز

می‌دانستید آدامس‌هایی که می‌جویم و بعد بی‌خیال، آن‌ها را از دهانمان به بیرون پرتاب می‌کنیم، یکی از آلوده‌کننده‌های معروف محیط زیست هستند؟ شاید باور تان نشود اما آدامس‌هایی که ما دور می‌ریزیم بیشتر از آنچه تصور می‌کنید، برای محیط زیست خطرناک هستند

بهداشتی هم که آدامس را در سطل زباله می‌اندازید، کلی هزینه و دردسر درست می‌کنید. کلاً آدامس جویده‌شده یک موجود دردسر ساز است. ۸۰ تا ۹۰ درصد آدامس‌ها در سطل‌های زباله، بدون توجه به نوع زباله آن ریخته می‌شود. مقدار زباله تولیدشده از آدامس ۲۵۰ هزار تن در سال است. شاید تعجب کنید اگر بشنوید که جمع‌آوری، جداسازی و تفکیک آدامس‌ها در زباله‌دانی‌ها سالانه ۲ میلیون دلار هزینه دارد. برای همین معمولاً توصیه می‌شود که آدامس را همین‌طوری در سطل زباله رها نکنید و حداقل آن را با پوشش کاغذی‌اش دور بیندازید. جالب اینکه در بعضی از کشورها انداختن آدامس در خیابان جریمه دارد. بعضی کشورها هم مثل سنگاپور ماجرا را خیلی جدی گرفته و قوانین سختی در مورد آدامس دارند. در این کشور جویدن آدامس ممنوع است مگر اینکه شما برای آن مجوز پزشکی داشته باشید.

چطور از شرش خلاص شویم

برای اینکه از شر آدامس و دردسرهای بدش خلاص شویم، یک راهش این است که مثل سنگاپور، جویدن آدامس را ممنوع اعلام کنیم. البته راه‌های متمدانه‌تری هم وجود دارد. به عنوان مثال دانشمندان انگلیسی در سال ۲۰۱۱ آدامسی با نام Revy ساخته‌اند که در آب حل می‌گردد و همین‌طور بعد از گذشت ۶ ماه به پودر نرمی تجزیه می‌شود. این آدامس ۳۰ درصد راحت‌تر، از لباس‌ها و پیاده‌روها پاک می‌شود. البته آدامس دیگری هم هست که از صمغ چیکل ساخته می‌شود. این آدامس در عرض ۲ هفته توی طبیعت تجزیه می‌شود. خوب است بدانید که آدامس‌هایی هم که در کشور خودمان از صمغ طبیعی یا سقز تهیه می‌شوند، همین خصوصیت را دارند و به‌طور کامل تجزیه‌پذیر هستند. پس برای کمک به طبیعت و کاهش هزینه‌ها تا می‌توانید از آدامس‌هایی با منشا طبیعی استفاده کنید و هیچ‌وقت آدامس جویده‌شده را در چاه توالت یا جوی خیابان نیندازید. در کشور ما معمولاً سطل مخصوص دورریختن آدامس وجود ندارد. برای همین بهتر است آدامستان را بی‌خیال در سطل زباله رها نکنید و آن را در کاغذ بسته‌بندی‌اش پیچیده و در سطل معمولی بیندازید.



دومین زباله معروف جهان

همین آدامس‌هایی که شما از روی لذت و به خاطر ترکاندن یا به دلیل تمدد اعصاب می‌جوید و بعد هم که شیرینی‌اش رفت بیرون می‌اندازید، بعد از تبه سیگار از نظر مقدار، روی پله دوم زباله در جهان ایستاده است. احتمالاً بیشتر ما آدامس را برای این می‌خوریم که برعکس آبتبات و شکلات زود تمام نمی‌شود و می‌توانیم برای مدتی طولانی بچومش. اما همین خاصیت محبوب آدامس او را به یک آلاینده خطرناک در محیط زیست تبدیل کرده است. احتمالاً شما بهتر از ما خاصیت سیریس بودن آدامس را می‌شناسید. شاید برایتان جالب باشد که این جناب سیریس به دلیل استحکامش هیچ‌جوری از بین نمی‌روند. آدامس‌های معمولی قابلیت بازیافت و بازگشت به طبیعت را ندارند. چون از نوعی پلیمر ساخته می‌شوند که در واقع پلاستیک مصنوعی است. پلاستیک هم که معرف حضور تان است، از آن دشمن‌های درجه یک طبیعت است. یکی از پلیمرهایی که در ساخت آدامس به کار می‌رود، «پلیزوی بیوتیلن» نام دارد. این جناب «پلیزوی بیوتیلن» که در صنعت به عنوان روان‌کننده در موتورها استفاده می‌شود، بین طرفداران محیط زیست هم خیلی مشهور است. البته هیچ‌کس هم دوستش ندارد، چون ایشان همان ماده‌ای هستند که بعد از نشت نفت در دریا روی پرندگان دریایی می‌نشینند و با چسبیدن به این موجودات بدبخت آن‌ها را بیمار کرده یا می‌کشد. جز این، آدامس‌ها در بدن ماهی‌هایی که آن‌ها را می‌بلعند، به مرور تولید سم می‌کنند و پلیمر آدامس بعداً وارد زنجیره غذایی ما هم می‌شود.

خوراکی که دردسر ساز است

همان‌طور که گفتیم، بیشتر ما بدون توجه، آدامس‌هایمان را دور می‌اندازیم. مطمئن هستیم بیشتر شما تجربه بد چسبیدن آدامس‌هایی که در خیابان رها شده‌اند را به ته کفش یا لباس‌تان داشته‌اید.

این دردسر یک مسئله جهانی است. به‌طور مثال به ۹۲ درصد سنگفرش خیابان‌های لندن آدامس چسبیده است. البته مشکل فقط مربوط به آن دسته از دوستان بی‌ادبمان نیست که آدامس را در خیابان بیرون می‌اندازند بلکه شما افراد

ایرنا

مدرسه پیر مردها



چه تا حال

اگر خبرهای کنکور را دنبال کرده باشید، می‌دانید که هر سال تعدادی از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های ما برای ادامه تحصیل در کنکور شرکت می‌کنند که احتمالاً بیشترشان از رقابت با جوان‌ترها جا می‌مانند. حالا بشنوید از رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان که خبر از راه‌اندازی دانشگاه نسل ۳ ویژه سالمندان در آینده نزدیک را اعلام کرده است. ظاهراً دانشگاه آزادی‌ها برای راه‌اندازی مدرسه پیرمردها پیش‌قدم شده‌اند. قرار است در این دانشگاه استادان دانشگاه یا افراد دارای تجربه و دانش به سالمندان مهارت‌ها و آموزه‌های لازم را آموزش دهند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌توانند در این دانشگاه رشته‌های مختلفی مانند ادبیات، رایانه و مدیریت را بخوانند.

ایرنا

خانواده‌های امین حافظ کودکان بدسرپرست



به این منگن به طرح خوب

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند کودکان دارای سرپرست نامناسب از بچه‌هایی که سرپرست ندارند، مشکلات و دردسرهای بیشتری را تجربه می‌کنند. رئیس سازمان بهزیستی کشور با اعلام اینکه در حال حاضر ۲۴ هزار کودک بدسرپرست تحت نگهداری و مراقبت بهزیستی هستند، یک خبر خوش برای آن‌ها داشت. ظاهراً سازمان بهزیستی کشور به دنبال این است که کودکان بدسرپرست را به خانواده‌هایی که مشتاق پذیرش فرزند هستند، بسپارد. ۲۵ درصد کودکانی که در سازمان بهزیستی نگهداری می‌شوند، بدون سرپرست بوده و بهزیستی حق واگذاری دائمی آنان به خانواده‌های متقاضی را دارد. اما ۷۵ درصد فرزندان که توسط بهزیستی نگهداری می‌شوند، بدسرپرست هستند که سرپرستی آن‌ها به‌صورت موقت در اختیار سازمان بهزیستی است. این سازمان به دنبال آن است که بر اساس طرح «امین موقت»، این بچه‌ها را به خانواده‌های سالم بسپارد تا زندگی شادتر و باکیفیت‌تری را تجربه کنند.

«در جلسه ۱۰ ساعته‌ای که با کی‌روش داشتیم و فایل ضبط‌شده ۵ ساعت آن هم به صورت کامل در اختیارم است، او فقط به وزیر ورزش و جوانان و البته ۸۰ میلیون ایرانی توهین کرده است. به او گفتم شما از لحاظ ادبیات صفر هستید. چون کی‌روش به ملت ما توهین کرد، من به همین خاطر جوابش را دادم». این بخش کوچکی از گفت‌وگوی بلند علیرضا اسدی، دبیر فدراسیون فوتبال، با رسانه‌ها است.

جنگال هفته:

سر مربی تیم ملی و دبیر کل فدراسیون فوتبال بی‌خیال هم نمی‌شوند

اسدی، کی‌روش و دیگر ایرانی‌ها!

جلسه اسدی و کی‌روش زمانی برگزار شد که کی‌روش بیشتر از هر زمان دیگری در این سال‌ها از تیم ملی دور شده بود؛ زمانی که هر لحظه امکان برکناری یا موافقت با استعفای او وجود داشت. در آن بحران شاید تنها چیزی که باعث شد کی‌روش بماند، خواست هواداران تیم ملی بود. اما اگر او به ملت ایران توهین کرده بود، آیا هواداران تیم هم راضی به ماندن کی‌روش بودند؟ اسدی که مسلماً طرفدار جدایی کی‌روش از تیم ملی بوده است چرا همین توهین‌ها را به اطلاع مردمی که به آن‌ها توهین شده، نرسانده و زمینه برکناری او را فراهم نکرده است؟ باید از دبیر فدراسیون پرسید که چرا حالا که کی‌روش گفته او جادوگر است، به یاد توهین‌های سر مربی تیم ملی به مردم ایران افتاده است؟ به هر حال آخرین ماجرا قابل پیش‌بینی بود. فشار کی‌روش بار دیگر کارساز شد تا در اقدامی عجیب سر مربی تیم ملی، دبیر فدراسیون را برکنار کند و ساکت جای اسدی را بگیرد. دوباره کی‌روش بیروز یک جنگ نابرابری می‌شود. البته قطعاً این تمام ماجرا نیست. شاید بهترین نقل قول در مورد حواشی پر شمار کی‌روش در ایران را خداداد عزیزی به زبان آورد: «ما از همان ابتدا با او اشتباه برخورد کردیم و حالا باید تا ابد تاوان این را بدهیم». بله، زمانی که جناب کفاشیان و دوستانشان با ذوق‌زدگی تمام دست‌به‌سینه مقابل کی‌روش ایستادند، فکرش را می‌کردند که او روزگاری با بیانه‌هایش فدراسیون فوتبال کشورمان را با خاک یکسان کند؟ کی‌روش کارنامه قابل قبولی در فوتبال ایران دارد و عدم وجود امکانات مناسب صدای او را این‌گونه بلند کرده است ولی خب یادتان نرود که او فقط سر مربی تیم ملی فوتبال است و بس! کاش به او اجازه نمی‌دادیم که در این سال‌ها به نفر اول فوتبال ایران تبدیل شود و تمام تصمیم‌گیری‌های فوتبالی را مدیریت کند. مرد پر تعالی حالا پایش را روی گاز گذاشته است و جاده فوتبال ایران را طی می‌کند، بدون آنکه کسی بتواند در این مسیر او را مدیریت کند! کی‌روش حالا نه تنها سر مربی تیم ملی بلکه همه کاره فوتبال کشورمان است. چه‌بسا در آینده نزدیک مجبور شویم برای تصمیم‌گیری‌های دیگر ورزش‌های کشورمان هم دست به دامان کی‌روش شویم!

چهار هفته:

۳ فصل در باشگاه پرسپولیس حضور فصل یکی از بهترین مهره‌های تیم بود آقای گل لیگ برتر لقب گرفت. او بارها لحظات ناچی پرسپولیس شد و گل‌های تیم زد و سرانجام تصمیم گرفت آینده‌اش را با تیم خارجی جست‌وجو کند. تصمیمی که بعد از مدتی به نام پول رضایت نامه روبه‌رو شد تا پولیس ماندگار شود اما سوال اینجاست که آیا طبیعی، انتظار می‌رود هواداران باشگاه وضع بگیرند و طارمی را برای تحقق رؤیای سنین کنند اما واکنش‌ها کاملاً در جهت مخالف است. قرمزها هنوز سروش رفیعی را برای آرزوی موفقیت می‌کنند و در انتظار که ستاره شیرازی دوباره در تیم محبوبشان حضور برای خداحافظی به اردوی ملی برگردد و با بازیکنان و مربیان یارگیری گرفته و با باشگاه جدا شده اما مهدی طارمی با همه تندرست‌ترین واکنش‌ها و حمله‌ها را به جان حالا سوال اینجاست که بزرگ از کجا نشأت تفاوت بنیادی واکنش‌ها، نظر است که سروش بازیکن ملی با پرسپولیس قرارداد دارد؟ طارمی نمی‌داند - یا می‌داند و دوست بگیرد - این است که محبوبیت در بین مردم به معادله‌های زمین فوتبال بستگی ندارد. در مدت کوتاه همیشه پالس‌های مثبتی از دریافت کرده‌اند و شیفته آرامش و رفتار بازیکن شده‌اند اما ستاره بوشهری هر روز برای تردید به تماشاگران می‌دهد. مرد نگاه قرارداد نداشت و همه پذیرفته بودند رفت باید به اروپا منتقل شود اما او با حضور تمدید قرارداد، به این توافق عمومی دست وسط رجزخوانی برای تیم‌های رقیب می‌نهد. ناگهان عکس او در لباس ریزه‌اسبور بدل رفتن او اشتباه بود و مدل بازگشتش، جبران اشتباه درست مثل پاک‌کنی که در آن صفحه، آن را سیاه می‌کند. طارمی نشان بود و در عین حال، مصداق گام‌به‌گام در عین درخشش، وقتی روی خط میانه است تا به پناهی رامین کم‌حلی کند، وقتی آنها را با سهل‌انگاری از دست می‌داد، وقتی رایش مهم‌تر از موفقیت تیم بود، وقتی هر قیمتی پشت ضربه پناهی قرار بگیرد، تاگرام غرق شده بود، وقتی به مراسم نمی‌رفت تا به گفته خودش هوادارها ندانند و وقتی با ویدئوهای عجیب تمرکز تیم سخت، باید در انتظار روزی می‌ماند که خبر دروغ‌هایی کنایه‌آمیز روبه‌رو شود. چطور می‌توانی کفش طلای فوتبال ایران را به او در اوج محبوبیت نباشی؟ چطور ممکن است همه گل مهم، همه آماده باشند تا با کنار بیایند و از باشگاه بخواهند که بر روی زمین نماند؟ پاسخ این سوال‌ها را مهدی هر کس دیگری می‌داند؛ ستاره بازی‌های بزرگ‌تر.



اصفهانی‌ها به مجری بر نامه قرعه‌کشی لیگ برتر اعتراض کردند

فوتبالی‌ها که هنوز آبی و قرمز است

در حالی که تهرانی‌ها اعتراض دارند فدراسیون فوتبال با ریاست مهدی تاج و دبیر کلی محمدرضا ساکت به شدت اصفهانی شده است، اصفهانی‌ها این هفته به توجه بیش‌ازحد مجری مراسم قرعه‌کشی لیگ برتر به تاریخ و هفته برگزاری شهرآورد تهران اعتراض کردند و در نامه سرگشاده‌ای از فدراسیون فوتبال گلایه داشتند چرا در قرعه‌کشی لیگ برتر، سخنان رنگی مجری و جبهه ملی لیگ برتر را زیر سؤال برد؟

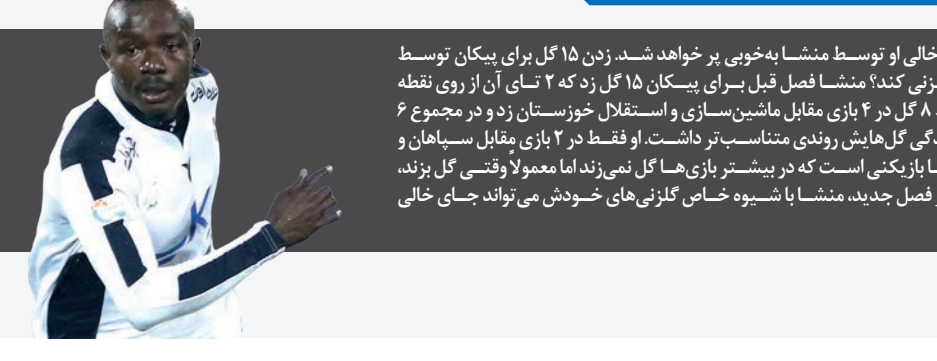
این که لیگ برتر فقط برای استقلال و پرسپولیس نیست و لیگ با حضور تمام تیم‌ها چه از اصفهان و تبریز و چه از اهواز، رشت، مشهد، آبادان و... معنی و مفهوم سراسری پیدا می‌کند، حرف درستی است و از این حیث اعتراض باشگاه سپاهان را باید وارد دانست اما نباید این واقعیت را فراموش کرد که شهرآورد تهران مهم‌ترین بازی فصل لیگ برتر است و نمی‌توان از کسی که اجرای مراسم را بر عهده داشته، بابت این که برای هیجان بخشیدن به مراسم، روی زمان بازی مستقیم استقلال و پرسپولیس تأکید کرده، شاکتی شد.

این درست که فوتبال دوقطبی ایران، با تلاش سپاهان، فولاد، تراکتورسازی و سایر تیم‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت و تیم‌های شهرستانی با کوشش فراوان رقابت بر سر قهرمانی را از انحصار استقلال و پرسپولیس درآوردند اما به‌واسطه توجه افکار عمومی به سرخابی‌ها هنوز هم دو تیم رنگی پایتخت بیش از سایرین مورد توجه هستند و این توجه اصلاً به معنی انکار تلاش شهرستانی‌ها نیست. واقعاً چه کسی می‌تواند سپاهان بزرگ، تراکتور محبوب و حتی ملوان و سپیدرود و... را نادیده بگیرد؟ اصلاً لیگ بدون این تیم‌ها معنی ندارد اما نباید به‌اشتباه به سمت و سویی برویم که احساس شود استقلال و پرسپولیس یکطرف هستند و ۱۴ باشگاه دیگر مقابل آن‌ها. این مرزبندی اشتباه که منجر به دودستگی می‌شود، از دوقطبی بودن فوتبال هم بدتر است.



شبکه‌های اجتماعی دوست دارند کاری کنند که فاصله محمد احمدزاده (مربی سابق تیم ملوان) با فوتبال و رانندگی کامیون او شبیه یک تراژدی به نظر برسد؛ یک فاجعه بزرگ، یک بحران حل‌نشده. این ماجرا اما فقط قسمت روزمره‌ای از زندگی است. ممی (لقب احمدزاده) و فوتبال، دیگر به کار هم نمی‌آیند اما او می‌تواند تجربه‌های مفید دیگری را پشت سر بگذارد. آقای مربی ۲ سال قبل برای آخرین بار فرصت هدایت ملوان را با مأموریت نجات تیم محبوبش از چنگال ترسانان سقوط به دست آورد اما فصل را به عنوان مربی ملوان سقوط کرده به پایان رساند تا رؤیای زندگی یک شهر را به اعماق برود. شاهین بوشهر حتی برای یک لحظه ثابت نکرد که احمدزاده هنوز می‌تواند مربی خوبی باشد. او به پایان راه رسیده بود و این به معنای پایان زندگی نبود. زندگی برای احمدزاده ادامه داشت؛ درست مثل همه مربیانی که از یک نقطه به بعد، تصمیم به ترک هیاهوی مستطیل سبز گرفتند. فوتبال مردانی به‌مراتب بزرگ‌تر از احمدزاده را با خداحافظی‌های ناگهانی تری از دست داده است؛ ستاره‌هایی که گاهی وادار بوده‌اند زندگی پس از فوتبال را با مشاغل به‌مراتب سخت‌تری پشت سر بگذارند. مهم نگذارند. مهم نیست که شبکه‌های اجتماعی چه خیالی در سر دارند. این فقط یک مرحله از زندگی است، یک مسیر متفاوت، یک کار مفید، عوض کردن دنده به جای تاکتیک، با هدف مشترک سقوط نکردن به آتشی دره. ولی خب باز هم چه کسی می‌داند که آخر این داستان چیست؟ شاید احمدزاده یک روز دوباره به عنوان ناچی ملوان یا به میدان بگردد، کاری که در روزگاری نه‌چندان قدیم، خوب از پس آن برمی‌آمد.

عقب‌گرد رونالدو

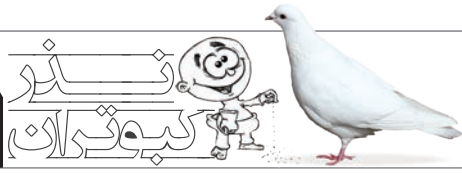


فوق ستاره پرتغالی رنال مادرید ماندنی شد

نزدیک‌تانش به سران باشگاه مادریدی اعلام کرده که نظرش تغییر کرده و در حال حاضر به ماندن در باشگاه مادریدی می‌اندیشد. در روز ۱۶ ژوئن بود که روزنامه «آبول» چاپ پرتغال با انتشار گوی در فوتبال اروپا به پا کرد. در آن گزارش نوشته شده بود که کریس تصمیمش را برای ترک رنال مادرید گرفته و قصد تجدید نظر در تصمیمش را ندارد. اما حالا سران رنال بعد از دریافت آن راحت شده است. بدین ترتیب و با وجود این پیغام، کسی با قاطعیت تمام نمی‌تواند بگوید کریس فصل آینده را در رنال مادرید سپری خواهد کرد و همه چیز ممکن است تا پایان ۳۱ جولای جلسه بازرجویی کریس رونالدو در مورد اتهام فساد مالیاتی او در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ را دادگاه آلکورکن شهر مادرید برگزار خواهد شد و در آن روز کریس توضیحاتی بیسوی یورویی مالیاتی وارد به او، صحبت خواهد کرد. برگزاری این جلسه می‌تواند نقش پررنگ و تأثیرگذاری در آینده کریس و ماندن یا نماندنش در باشگاه مادریدی ایفا کند. این تعطیلات تابستانی‌اش است و به قانون سکوت روی آورده و شخصاً صحبت یا اظهار نظری نمی‌کند. پس ما هم نمی‌توانیم با اطمینان از آینده او حرف بزنیم. تنها می‌توانیم والدو یک بازی رسانه‌ای بوده و بس.

از همان زمان که خیر جدایی مهدی طارمی از پرسپولیس جدی شد، هواداران این تیم گادوبن منشرا را جانشین شایسته او اعلام کردند و معتقد بودند که در صورت جدایی طارمی، جای خالی او توسط منشرا به‌خوبی پر خواهد شد. زدن ۱۵ گل برای پیکان توسط منشرا باعث شده تا هواداران پرسپولیس او را مهاجمی خطرناک و گلزن پداندند و بابت جدایی طارمی نگرانی زیادی از خود نشان ندهند. اما واقعاً منشرا چقدر می‌تواند مثل طارمی گلزنی کند؟ منشرا فصل قبل برای پیکان ۱۵ گل زد که ۲ نای آن از روی نقطه پناهی بود. اما نکته جالب و عجیب در گلزنی‌های این بازیکن نیجریه‌ای، پراکندگی گلزنی او در بازی‌هاست. منشرا در لیگ شانزدهم این ۱۵ گل را در ۹ بازی به ثمر رساند. او فقط ۸ گل در ۴ بازی مقابل ماشین‌سازی و استقلال خوزستان زد و در مجموع ۶ بار دبل کرد یا به عبارت دیگر، منشرا در ۲۱ بازی پیکان گل زد. اما این آمار برای طارمی کاملاً متفاوت بود. طارمی ۱۸ گل فصل قبل خود را در ۱۶ بازی به ثمر رساند و پراکندگی گل‌هایش روندی متناسب‌تر داشت. او فقط در ۲ بازی مقابل سپاهان و ذوب آهن موفق به دبل کردن شد و در سایر بازی‌ها نتوانست بیشتر از یک گل بزند. انتخاب اینکه روند گلزنی کدام یک از این ۲ بازیکن بهتر است، کار سختی است. منشرا بازیکنی است که در بیشتر بازی‌ها گل نمی‌زند اما معمولاً وقتی گل بزند، به یک گل اکتفا نمی‌کند. در سوی دیگر، طارمی تقریباً در هر ۲ بازی یک گل می‌زند و دچار بحران طولانی مدت گلزنی نمی‌شود. با این حساب باید ببینیم که در فصل جدید، منشرا با شیوه خاص گلزنی‌های خودش می‌تواند جای خالی طارمی را پر کند یا نه؟

روست...



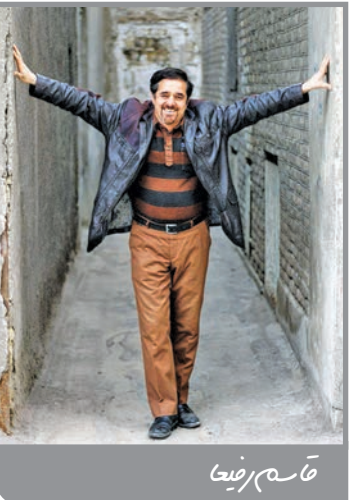
دوباره روضه گرفتند زائران اینجا
بیاد مشک عطش نوش و خشک سرداری
رهاست در نفس این حرم شمیم یاس
به یاد علقمه و قبر حضرت عباس

دوبال پر زدن را قنوت اشکت کن
بین برای پریدن عجب سبک باری
دوباره پنجره فولاد و اذن کرب و بلا
میان صحن حرم شد چه گریه بازاری

دنیای پرندگان چه شکلی است؟ (۱)
برترین عکس‌های مسابقه عکاسی «آدوبون ۲۰۱۷» با موضوع دنیای پرندگان معرفی شدند.



دوست نوجوان من! همدک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به همدک کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



قاسم رفیعی
جنگ‌های تابستان

تابستان داغ دستش را روی شانهم انداخته است

همه می‌گفتند شما عامل ادامه این جنگ لعنتی هستید. بازی ما از فوتبال به تفنگ‌بازی تبدیل شده بود. تفنگ بازی دستمان می‌گرفتیم و با هم می‌جنگیدیم. این محله و اون محله برای خودشان اصول داشتند. بچه‌های محله سرزندگی مثل جبهه‌های جنگ واقعی با کیسه‌های شن سنگر درست کرده بودند. آن‌ها برای خودشان قاعده و قانون هم داشتند. حتی یکی دو تا تفنگ بادی هم داشتند.

ما روی درخت سنگر ساخته بودیم و توی دیواره‌های خاکی آن اطراف حفره زده بودیم و به حساب خودمان غار ساخته بودیم و جلوی غارها را دیوار کرده بودیم.

بچه‌های پانچار کانال زده بودند و خاکریز.

کانال‌ها را با پلاستیک و کیسه پوشانده بودند و از زیر آن رفت و آمد می‌کردند. اما از حق نگذریم، سرزندگی‌ها از ما ۲ محله قوی‌تر بودند. چند نفری حتی در سنگرهایشان گاهی می‌خوابیدند؛ یک‌دفعه به منطقه ما حمله کرده و سنگرهای ما را خراب کرده بودند. یعنی دیوارهای غار ما و سقف کانال‌های پانچاری‌ها را خراب کرده بودند. بزرگ‌ترهای ما غیرتی شدند و شبانه حمله کردند و سنگرهایشان را غارت کردند. این بود که پدر و مادرهای ما دایم ما را نفرین می‌کردند که چرا باعث ادامه جنگ شده‌ایم.

ولی کم‌کم ما بزرگ شدیم و در سال‌های جنگ رژیم بعثی عراق با ایران، کم‌کم جذب جبهه جنگ واقعی شدیم و عده‌ای شهید شدند و عده‌ای اسیر و عده‌ای هم مجروح.

اما قبل از آن در یک عصر تابستانی به مقر فرماندهی سرزندگی‌ها حمله کردیم و چون هیچ کدام از اصول و قواعد جنگ را رعایت نکرده بودیم، آن‌ها با تمام قوا منتظر ما بودند و شکست سختی به ما وارد نموده و ما را حسابی تار و مار کردند.

شب توی مسجد، شام شله می‌دادند. از همه جبهه‌ها سر سفره شله جمع بودیم و شله می‌خوردیم!



توی راه خانه هستیم. تابستان داغ دستش را روی شانهم انداخته. به روزهای زندگی ام فکر می‌کنم. به تفاوت حال و هوایم؛ مثل تفاوت حال هوا در هر فصل، یک روز بارانی، یک روز ابری و یک روز آفتابی. اینکه در هر فصل یا در هر روز حال و هوای دل آدم با هم فرق کند، طبیعی است اما اینکه زندگی را در فصلی از سال به بهانه تعطیلی مدرسه برای خودت متوقف کنی، خسته کننده و غیرمنطقی است؛ اینکه دست روی دست بگذاری و ۹۰ روز از سال را بی‌آموختن یک یا چند مهارت تازه یا تجربه جدید طی کنی.

توی راه خانهم و آفتاب تابستان صورتت را قرمز کرده است. دلم می‌خواهد امسال از بابا طرز ساختن یک بادبادک کاغذی را یاد بگیرم و از مامانم طریقه پختن چند غذای ساده و خوشمزه را... و در روزهای بلند تابستان زندگی‌ام را از رکود و توقف خارج کنم. یاد بگیرم، تجربه کنم و همراه با بادبادک کاغذی‌ام در آسمان عصرهای بلند تابستان سبک و بی‌وقفه بالا بروم، رشد کنم و اوج بگیرم.

هانیه سلامی‌راد
مربی ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد.

روزهای هفته را گم کرده‌ام. نمی‌دانم امروز چندم است، چندشنبه است و ساعت چند است؟ بی‌هدف از تلگرام می‌روم توی اینستاگرام و از اینستاگرام می‌روم توی بازی تازه‌ای که دیروز از «بازار» گرفته‌ام. چند بار می‌بازم و خسته می‌شوم. اما انگار دستم به گوشی چسبیده. نمی‌توانم بگذارم کنار و از جایم بلند شوم. دوباره می‌روم توی تلگرام. خاله‌مریم توی گروه خانوادگی یک متن طولانی گذاشته درباره راه‌های جلوگیری از اتلاف وقت. حوصله خواندن مطالب تکراری و پر از نصیحت تلگرام را ندارم. نمی‌فهمم چرا وقتی می‌شود کلی عکس و جک جذاب و بامزه برای شادی روح اعضای گروه فرستاد، یک عده مدام در حال ارسال پست‌های بلند و خسته کننده و مفید هستند. تلفن را رها می‌کنم روی میز و می‌روم بیرون. مامان رویه‌روی تلویزیون نشسته و دارد به‌دقت برنامه آشپزی محبوبش را تماشا می‌کند. توی دلم به او حسودی می‌کنم. زندگی‌اش تابستان و پاییز ندارد. هدف‌های زندگی‌اش، علاقه‌ها و برنامه‌هایش وابسته به زمان نیست. او همیشه در همه سال عاشق یادگرفتن غذاهای تازه است. در همه روزهای تقویم صبح‌ها رأس یک ساعت خاص بیدار می‌شود. یکشنبه‌ها صبح جلسه قرآنش را می‌رود و چهارشنبه‌ها عصر کلاس یوگایش را. او در هیچ جای سال تعطیل نیست و در هیچ روز از تقویم بی‌برنامه نیست. حتی اگر برنامه‌ای نداشته باشد، یا دلش بخواهد بی‌برنامه باشد من و خواهر و پدرم، خانه و آشپزخانه و مادربودنش برایش از قبل برنامه چیده‌ایم. نگاهش می‌کنم. دارد طرز تهیه یک غذای تابستانی را یادداشت می‌کند. امشب یا فردا شب طعمش را خواهیم چشید. چون مادربودن هیچ وقت ۳ ماه تعطیلی ندارد.

حس می‌کنم روزهای بی‌برنامه دلم را زده است. دلم می‌خواهد یک کار تازه یاد بگیرم، یک مهارت نو. یاد دبیر حرفه و فن خودم می‌آفتم. در اولین جلسه کلاس پای تخته با خط درشت نوشت: مهارت... بعد توضیح داد که آموختن مهارت در زندگی هر آدمی راهگشا است. گفت هرچه مهارت‌های یک آدم بیشتر باشد، آن آدم دستش توی زندگی جلوتر است.

دستم به گوشم چسبیده، به زیر سرم، از بس جلوی تلویزیون دراز کشیده‌ام و فیلم تماشا کرده‌ام. حس می‌کنم دستم در زندگی‌ام متوقف شده است. باید بروم کلاس ورزش. باید عضله‌های دستانتان را قوی کنم. باید صبح‌های زود بیدار شوم. باید مهارت‌هایم را بیشتر کنم.

در فرهنگ‌سازی برای صر فجهویی اب
دقت بفرمایید...
مرد حسابی! خب بچته رو تربیت کن خب!
اومده آب آکواریوم ما رو خالی کرده
داره واسه ماهیا درباره کمبود آب حرف می‌زنه!!

https://telegram.me/khosroanjom_majid

تا حالا به قیافه شترمرغ دقت کردین؟
یه جورى تندتند و سربالا چپ و راستشو نگاه میکنه که انگار هافبک وسط بارسلوناست و دنبال مسی میگردد. بهش پاس بده!

خوشمزه‌خان

مورد داشتیم طرف خواسته شیشه نوشابه رو بذاره تو یخچال، دیده جا نمیشه. یه کم ازش خورده دوباره امتحان کرده. میگن یخچاله سوخته از خنده!

پسر خوشمزه‌خان

به طرف میگن چرا سرت رو هنوز خیس نکردی، شامیو می‌زنی؟ میگه اگه سواد داشته باشی، روش نوشته برای موهای خشک می‌فهمی، برای موهای خشکه!

همسایه خوشمزه‌خان

به رفیقم گفتم پاشو بریم پارک ورزش کنیم. گفت نه من ریزش مو دارم نمیتونم! باید به مدت بهش پهنه درست و حسابی یاد بدم.

تیل‌خان

توی اتوبان به بابام گفتم کاربرد راهنما چیه؟
گفت واسه پیچیدن و کنار زدن.
گفتم آفرین، پس چرا استفاده نمی‌کنی؟
برا اولین بار راهنما زد پیادهم کرد!

پسر آقای همساده

البته به نظرم موفقیت هم به چیز نسبی هست. برای یکی شاید موفقیت اینه که رئیس یه کمپانی بزرگ بشه. برای من همین که بیشتر از این خرابکاری نکنم، خودش موفقیته!

آقای همساده

بابای من یه قانون داره که میگه
صبح‌ها از خواب بیدار میشم و آن قدر سر و صدا میکنم تا بقیه هم به‌زور بیدار شن!

پسر آقای همساده

تو هر سنی که باشی وقتی مامانت یه بشقاب میوه پوست کنده‌شده برات میاره، منه بچه ۲ ساله ذوق میکنی!

خپل‌خان

هشنگو
جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.